مرور

فوتبال ایران و جام ملت‌های آسیا

فرصتی برای استراحت نیست

افشین دست‌افشان

خیزش ایران برای چهارمین قهرمانی در جام ملت‌های آسیا با انجام مسابقه با چین تایپه و پیروزی صفر-۴ مقابل این تیم ضعیف آغاز شد. این برد با توجه به اینکه آنها در تمام شش بازی گروه B بازنده هستند هیچ اهمیتی ندارد. آنچنان که سوریه نیز با همین نتیجه چین تایپه را برد و نشان داد که با توجه به پیروزی‌های قابل پیش‌بینی سایرین بر این تیم نمی‌توان روی این پیروزی حساب ویژه‌ای کرد. بنابراین ادعای این که رقابت‌های مقدماتی جام ملت‌های آسیا برای تیم ملی ایران هنوز شروع نشده، بیراه نمی‌تواند باشد. به احتمال فراوان آخرین مسابقه ما در جام جهانی ۲۰۰۶ در روز ۳۱ خردادماه (۲۱ ژوئن) مقابل آنگولا خواهد بود، مگر آنکه موفق شویم به دور بعد صعود کنیم. در صورتی که بازی با آنگولا آخرین مسابقه ما در جام جهانی باشد که به احتمال زیاد نیز همین طور است، ما فقط ۵۶ روز برای کسب آمادگی برای مسابقه با سوریه فرصت داریم. چراکه آن بازی شانزدهم آگوست (بیست و شش مرداد) برگزار خواهد شد. اول و شش سپتامبر (دهم و شانزدهم شهریورماه) نیز دو مسابقه دیگر برابر کره جنوبی و سوریه انجام خواهد شد. با این حساب در حال حاضر سئوالات و نگرانی‌های بسیاری در مورد تکلیف تیم ملی ایران در جام ملت‌های آسیا وجود دارد. اولین آنها این است که آیا فدراسیون فوتبال ایران فکری به حال جانشین برانکو ایوانکوویچ که قرار است بعد از جام جهانی از تیم ملی جدا شود، کرده است یا نه. در آن هنگام ایران برای سه مسابقه پیاپی هشت هفته فرصت تمرین دارد. مسابقاتی که طی سه هفته برگزار خواهد شد و یقیناً در این میان زمان کافی برای کسب آمادگی لازم وجود نخواهد داشت. بنابراین فدراسیون اگر می‌خواهد آینده خود را در جام ملت‌های آسیا از دست رفته نبیند، باید همین الان به فکر انتخاب جانشین برای او باشد. در حال حاضر تا شروع جام جهانی دوازده هفته وقت است و بعد از آن هم هشت هفته و از این سو باید از این منظر به این قضیه نگریست که انتخاب جانشین برانکو به معنای این نیست که زیرپای او را خالی کرده‌ایم.

فراموش نکنیم که آخرین بازی ما روز ۱۵ نوامبر (۲۵ آبان) مقابل کره جنوبی در تهران خواهد بود. این در حالی است که در همان روز سوریه در دمشق مقابل چین تایپه خواهد ایستاد که یقیناً به پیروزی نیز خواهد رسید. بنابراین وضعیت باید به گونه‌ای باشد که ما در آخرین مسابقه با خیالی آسوده رودرروی کره بایستیم و نتیجه لازم را به دست آوریم. با توجه به اینکه از هر گروه فقط دو تیم صعود خواهد کرد، از این سو سرنوشت صعودمان در دست خودمان خواهد بود. نکته مهم این است که ما حرفه‌ای فکر کنیم و قبل از مسابقه آخر وضعیت خودمان را روشن نماییم. چراکه حریف روز آخر، کره‌جنوبی، بسیار حریف سطح بالایی است که یک مربی بزرگ باکلاس جهانی به نام دیک ادووکات را هم همراه خود می‌بیند. در کنار ادووکات نیز افشین قطبی است که اطلاعات بسیار خوبی از نقاط ضعف و قوت تیم ملی ایران دارد و یقیناً کادر فنی ایران برای رویارویی با این کادر فنی کار بسیار سختی خواهد داشت. در عین حال بی‌توجه به این که تیم ملی فوتبال ایران چه نتایجی در جام جهانی خواهد گرفت، باید پذیرفت که تیم ملی در حال ورود به عصری جدید در فوتبال خود است. فوتبال ما بعد از طی یک دوره زمانی سخت حالا به جایی رسیده که فقط روی به مربیان بزرگ و با کیفیت مثل آری هان و مصطفی دنیزلی می‌آورد. الگوی به کارگیری مربیان برجسته را البته جدا از پرسپولیس و پاس، تیم‌های دیگر نیز رفته‌رفته در پیش خواهند گرفت. با این منوال می‌توان امیدوار بود که این مربیان فوتبال، ایران را در رقابت‌های ۲۰۰۷ آسیا و جام جهانی ۲۰۱۰ به قله‌های بلندتری خواهند رساند.

نکته مهم در این میان این است که این مربیان دقیقاً مانند کاری که آری هان در پرسپولیس کرد، کادر دستیاران خویش را خودشان تعیین خواهند کرد و دیگر مانند زمان شروع فعالیت برانکو در تیم ملی نخواهد بود که قبل از آمدن او، فرکی و شاهرخی به عنوان سایر اعضای کادر فنی انتخاب شوند!

فوتبال ایران در رده‌های سنی زیر ۲۱ سال و زیر ۲۳ سال توسط رنه سیموئز هدایت می‌شود و از آنجا که در امر مربیگری فوتبال تداوم اهمیت بسیاری دارد، توجه به این امر که مربیان تیم‌های ملی ما صاحب یک جور سبک و سیاق باشند بسیار مهم است. بنابراین بهتر این است که مربی جدید تیم ملی ما هماهنگ با سیموئز باشد و از آمریکای جنوبی و ترجیحاً برزیل بیاید. مسلماً بسیاری از بازیکنان فعلی تیم امید در رقابت‌های جام ملت‌های آسیا ۲۰۰۷ و مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ حضور خواهند داشت و حالا که آنها دارند زیر نظر یک مربی برزیلی تمرین داده می‌شوند، چه بهتر که آن موقع هم از سوی یک مربی برزیلی یا دست‌کم اهل آمریکای جنوبی هدایت شوند. بنابراین باید هرچه زودتر به فکر جام ملت‌های آسیا بود، جامی که فاصله زیادی با آن نداریم ولی زیر سایه جام جهانی ۲۰۰۶ گم شده است.

منبع: فوتبال مدیا

ادامه مطلب یک

■تاکنون به اینکه در چه سنی می‌خواهی از فوتبال خداحافظی کنی فکر کرده‌ای؟

مردم عادی خیلی راحت‌تر از بازیکنان این سئوال را مطرح می‌کنند که چرا فلان بازیکن فوتبال را کنار نمی‌گذارد. باید خود را به‌جای بازیکن گذاشت و از منظر او مسائل را نگریست. شاید من الان بگویم که در سن ۳۳ سالگی فوتبال را کنار خواهم گذاشت اما شاید زمانی که به این سن رسیدم این توانایی را در خود ببینم که هنوز قادر به بازی در سطح اول فوتبال هستم. زمانی که شما در مرکز توجه قرار دارید، از محبوبیت زیادی برخوردار هستید و هر روزتان را با فوتبال سپری می‌کنید دشوار است که به یک‌باره بخواهید همه چیز را کنار بگذارید. خودم همیشه دوست دارم قبل از اینکه به من فشار بیاورند از فوتبال خداحافظی کنم. زمانی که در اوج از فوتبال کنار می‌روید خاطره خوبی از خود به جا خواهید گذاشت.

■تا به حال به این فکر کرده‌ای که پس از کناره‌گیری از فوتبال چه کار خواهی کرد؟ اصلاً به مربیگری فکر کرده‌ای؟

اگر واقعیت را بخواهید باید بگویم که چندان به این مسئله فکر نکرده‌ام. هنوز بسیار زود است. اما برای بازیکنی مثل من که ۲۰ سال از عمرش را در کنار فوتبال بوده بسیار دشوار است که بخواهد به یک‌باره ارتباطش را به‌طور کامل با فوتبال قطع کند. در مورد مربیگری هم باید بگویم که شغل بسیار سختی است و استرس بسیار زیادی به شما وارد می‌کند. اما نمی‌توان گفت که به مربیگری فکر نمی‌کنم. این هم شغلی است در ارتباط با فوتبال. می‌خواهم پس از پایان فوتبالم به این موضوع فکر کنم.

هلی کوپتر پرواز نمی‌کند

مهدی زعیم‌زاده

۲۸ بازی و ۴ گل، آمار گلزنی وحید هاشمیان به هیچ‌وجه برای هواداران هانوفر راضی‌کننده نیست. وحید در شرایطی در ابتدای فصل از مونیخ به هانوفر ملحق شد که به واسطه برتن داشتن پیراهن بایرن یک مهاجم سرشناس در بوندس لیگا محسوب می‌شد. پیوستن مهاجم بایرن به هانوفر خبر خوشحال‌کننده‌ای برای هواداران این تیم بود. آمار گلزنی وحید در بوخوم فوق‌العاده بود و او به واسطه پرش‌های بلند و ضربات سر دیدنی‌اش لقب هلی‌کوپتر را یدک می‌کشید. مطمئناً از بازیکنی با چنین سابقه‌ای انتظارات زیادی می‌رفت و مسئولان هانوفر هم به همین علت حدود ۲ میلیون یورو برای به خدمت گرفتن مهاجم بایرن هزینه کردند. هاشمیان در بایرن مونیخ موفق نبود و ماگات چندان او را به بازی نمی‌گرفت اما قبل از پیوستن به بایرن یکی از بهترین گلزنان بوندس لیگا محسوب می‌شد و هواداران هانوفر از وحید توقع داشتند او گل‌هایش در بوخوم را در تیم جدیدش هم تکرار کند. اما آمار گلزنی هاشمیان در هانوفر به هیچ‌وجه با آنچه در فصول ۲۰۰۳-۲۰۰۲ و ۲۰۰۴-۲۰۰۳ از این مهاجم انرژیک دیده بودیم قابل مقایسه نبود. هواداران هانوفر برای اینکه اولین گل بازیکن شماره ۱۶ تیمشان را ببینند ۱۳ هفته صبر کردند. وحید در دوازده هفته ابتدایی بوندس لیگا به میدان رفته بود اما پایش به گلزنی باز نشد. اما تعویض مربی هانوفر و آمدن پیترنوی‌رورر (مربی هاشمیان در بوخوم) این بازیکن را دوباره با گلزنی آشتی داد. وحید در همان اولین بازی خود در هانوفر زیرنظر نوی‌رورر گل زد. یکی از نشریات آلمانی فردای آن روز نوشت هاشمیان فقط برای نوی‌رورر گل می‌زند!

نکته سنجی خوبی بود. هاشمیان قبل از ملحق شدن به هانوفر ۲۶ گل در بوندس لیگا به ثمر رسانده بود که همه آنها به زمانی برمی‌گردد که پیراهن بوخوم را بر تن داشت و نوی‌رورر روی نیمکت این تیم می‌نشست. جالب اینکه وحید هفته بعد هم گل زد تا همه به این نتیجه برسند دوران گل زدن‌های هلی‌کوپتر به پایان رسیده و مهاجم ایرانی هانوفر دوباره به روزهای خوب دو سال قبلش بازگشته. اما این گل‌زنی‌ها ادامه پیدا نکرد و وحید در ۵ بازی بعدی بدون گل زده باقی ماند تا کم‌کم سروصداهای تماشاگران دربیاید. از همان هفته‌های ابتدایی جسته و گریخته از عملکرد هاشمیان انتقاد می‌شد اما گل‌زنی‌های وحید زیر سایه نتایج ضعیف هانوفر قرار می‌گرفت. هانوفر بسیار کسل‌کننده و دفاعی بازی کرد و در این میان وحید چندان مقصر شناخته نمی‌شد. اما هنگامی که در روزهای خوب هانوفر هم باز هم آمار گلزنی وحید چندان باب میل هواداران نشد انتقادها شدت بیشتری گرفت. هاشمیان در هفته بیستم با یک سوپرگل برابر هامبورگ شرایط را به سود خود تغییر داد اما دوباره ۵ هفته گل نزدن باعث به‌وجود آمدن انتقادهایی شد. حتی تک گل ۳ امتیازی او برابر ماینتس در آخرین روزهای اسفندماه هم نتوانست نظر هواداران را نسبت به او تغییر دهد. به همین دلیل در بازی یکشنبه شب هانوفر برابر بیله‌فلد هنگامی که وحید پس از یک نمایش نه‌چندان قابل قبول تعویض شد عده‌ای از تماشاگران هانوفر در اعتراض به عملکرد این بازیکن او را هو کردند. وحید در ۲۸ بازی تنها ۴ گل زده یعنی هر ۷ بازی یک گل. این آمار برای مهاجمی که در تمامی بازی‌های تیمش حضور داشته چندان قابل قبول نیست.

هانوفر در این فصل ۳۵ گل زده اما تنها ۱۱ درصد این گل‌ها توسط مهاجم شماره ۱۶ این تیم به ثمر رسیده. به هرحال باید قبول کرد آمار گلزنی هاشمیان در هانوفر برای یک مهاجم پائین‌تر از حد استاندارد است هرچند آنهایی که بازی‌های هانوفر را دیده‌اند از حضور موثر او در بازی‌های تیمش می‌گویند. وحید بسیار جنگنده و دونده بازی می‌کند و به همین علت مربیان هانوفر همواره از او در ترکیب اصلی استفاده می‌کنند. پیتر نوی‌رورر در پاسخ به این انتقاد که چرا اینقدر به هاشمیان بازی می‌دهد گفته بود «وحید بهترین بازیکن من در نبردهای تن‌به‌تن است. قدرت جنگندگی و دوندگی او فوق‌العاده است.» هاشمیان یک مهاجم انرژیک است و بازی درگیرانه و فیزیکی از ویژگی‌های مثبت بازی این بازیکن به شمار می‌رود. اما همه از یک مهاجم که سابقه حضور در بایرن مونیخ را دارد انتظار گل زدن دارند و بازی درگیرانه او به چشم هواداران نمی‌آید. وحید در این سال‌ها نشان داده که یک بازیکن مصمم و پرتلاش است و مطمئناً این انتقادها انگیزه و جدیت بیشتری به او می‌دهد. یکی از دلایلی که او چندان گل نمی‌زند این است که به دفعات در کناره‌های زمین به بازی گرفته می‌شود و خیلی هم موقعیت گل نصیبش نمی‌شود.

هانوفر تا چند هفته پیش در مکان پنجم جدول حضور داشت و از شانس زیادی برای حضور در جام یوفا برخوردار بود اما نتایج ضعیف این تیم در هفته‌های اخیر باعث شده که این تیم به مکان دهم سقوط کند و شانس حضور در جام یوفا را از دست بدهد و همین مسئله هواداران هانوفر را که یکشنبه شب شاهد شکست خانگی تیمشان بودند عصبی کرده بود و به همین علت آنها برخوردی غیرمنصفانه با وحید داشتند. به هرحال یکی، دو گل می‌تواند دوباره وحید را به اوج برساند. قبل از جام جهانی همه منتظر این اتفاق هستند.

خلاصه مطلب

۱- ایرانی‌ها ایمان خود را نسبت به هاشمیان از دست نمی‌دهند، همان‌طور که پیتر نوی‌رورر سرمربی دوست‌داشتنی هانوفر همچنان از وحید در ترکیب ثابت هانوفر استفاده می‌کند. نکته عجیب تفاوت خواسته‌های طرفداران و سرمربی است. هاشمیان برای نوی‌رورر یک مهره کاملاً تاکتیکی است که با قدرت دوندگی برای سایرین فضا ایجاد می‌کند، اما برای مردم... بگذریم. آنها آخر فصل با ما هم‌عقیده خواهند شد.

... و حالا قهرمانی آرزوست

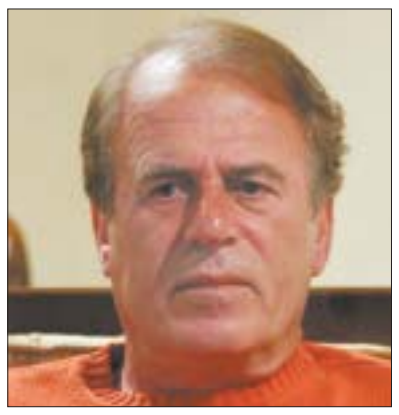

سه هفته پایانی لیگ و درصد و احتمالات قهرمانی پاس که از قضا کم هم نیست، بهانه خوبی بود تا روابط نه‌چندان دوستانه دنیزلی با باشگاه زودتر از حد تصور ختم به خیر شود. ظاهراً مصاحبه زنده دنیزلی با شبکه استار ترکیه که با دو سه روز تاخیر ترجمه تغییر کرده آن در تهران منتشر شد، شروع حواشی ناخواسته‌ای بود که به عقیده دور و بری‌های پاس، پیش‌زمینه مشکلات بعدی و البته عدم نتیجه‌گیری در دو مسابقه حساس با ذوب‌آهن و سپاهان شد. دنیزلی در آن مصاحبه آن طور که پاسی‌ها می‌گویند گفته بود که «پاس شرایط یک باشگاه حرفه‌ای را دارا نیست و به همین دلیل او در این تیم به دلیل برآورده نشدن خواسته‌هایش به مشکل خورده است.» این مصاحبه بعدتر از سوی دنیزلی و مترجمش تکذیب شد و خبر رسید که آتش‌بیار معرکه مترجم سابق باشگاه است که از قرار معلوم روابط خوبی با سرمربی ترک‌تبار ندارد و این گونه بود که فتیله ماجراها پایین آمد و با یکی دو تکذیبیه همه چیز به دلخواه پاس مختومه شد. اما نارضایتی دنیزلی از پاس پس از مدتی سکوت دوباره سر باز کرد و او که همیشه سعی کرده پرستیژ یک مربی سطح بالای خارجی را حفظ کند، با این خواسته که پاداش بازیکنان طبق قرار قبلی باید سر موقع پرداخت شود، اوضاع و احوال تیم را به هم ریخت. با این وجود دنیزلی در بازی یازده فروردین با سپاهان روی نیمکت بود تا کفه ترازو به نفع منافع فعلی سنگینی کند. اما تساوی ۴-۴ شرایط را به ضرر پاس تغییر داده. گرچه آنها فعلاً به قهرمانی فکر می‌کنند و در این راه دم‌دست‌ترین کار ممکن حفظ دنیزلی و کم کردن از حاشیه‌ها است اما به نظر می‌رسد با وجود وعده آجورلو مبنی بر قطعیت قهرمانی پاس دنیزلی با واکنش آخر سال یک فصل تلاش خود و بازیکنان را به باد داد. او که برخلاف مربیان قبلی همواره در روابط خود با مدیران در موضع برتر نشسته و به هیچ احدی اجازه دخالت نداده، شخصیت بزرگی است اما شاید اگر یک مربی دیگر بود تحمل می‌کرد تا قهرمانی.

سامره: شاید رفتم جام جهانی

فقط باید فصل تمام شود تا گلزنی‌های علی سامره به پایان برسد. سامره اکنون در صدر جدول گلزنان امارات است اما نفس‌های مهاجمان شارجه و الجزیره را پشت سر خود احساس می‌کند. «کار دو مهاجم شارجه و الجزیره از من خیلی راحت‌تر است چون آنها در تیم‌های بهتری نسبت به من بازی می‌کنند اما من به این سادگی‌ها آقای گلی را از دست نمی‌دهم.»

سامره این هفته باید مقابل کوچولوهای ایرانی الشباب قرار گیرد و رویارویی علی با مبعلی و اولادی کم جذاب نیست. «مهرداد و ایمان برای الشباب همه کار کردند و تقریباً تیم الشباب روی دست آنها می‌چرخد. ولی می‌خواهم به الشباب گل بزنم. بازی با شارجه را از جواد بردم و می‌خواهم این بازی را هم از ایمان و مهرداد ببرم، آن هم با گل خودم.» سامره تقریباً شب و روز با جواد نکونام است. «بعد از تمرین تقریباً هر روز جواد را می‌بینم، وقتی به الوحده گل زد خیلی خوشحال شدم. البته می‌دانستم جواد گل می‌زند چون او هر کاری بخواهد می‌کند. اگر جواد در تیم ما بود الان با ۲۰ گل آقای گل مطلق بودم.»

او برای فصل آینده خود تصمیم نگرفته است اما مشتریان بهتری نسبت به الشعب پیدا کرده است. به هر حال او آقای گل امارات است. «پیشنهادات خوبی از لیگ امارات دارم اما منتظر پیشنهادات اروپایی هستم و تا پایان جام جهانی صبر می‌کنم، خدا را چه دیدید شاید من هم مسافر جام جهانی شدم.»

لحن صحبت‌های سامره طوری است که کمی امیدوار می‌شویم گرچه عجیب است که بازیکنی که در هیچکدام از اردوها حضور نداشته ناگهان در جمع ۲۲ بازیکن نهایی انتخاب شود. آنچه که سامره را امیدوار کرده تماس کادر فنی تیم ملی با اوست. کاری که نمی‌دانیم جدی بگیریمش یا نه؟

سهراب ادامه دارد

درخشش سهراب همچنان ادامه دارد. در حالی که علی دایی با تداوم گلزنی‌هایش بیشتر از همه مورد توجه است، به عقیده خیلی‌ها آس این فصل صبا، یک مدافع کلاسیک با استعداد و البته به عادت سابق، کم انگیزه است. او با هشت گل زده، بهترین مدافع گل‌زن این فصل است و اگر بی‌انصافی نباشد یکی از خوب‌های کل لیگ امسال. «کل تیم خوب بازی می‌کند و همین به من کمک می‌کند تا در فرم ایده‌آل قرار بگیرم.» سهراب دلیل می‌آورد که «وقتی من جلو می‌روم خیلی‌ها آن عقب جور مرا می‌کشند و جای خالی مرا پر می‌کنند.» بختیاری‌زاده عقیده دارد که این تعداد گل زده زیادهم عجیب نیست و با توجه به آمار گل‌های فصل‌های قبل که همیشه بالاتر از حد استاندارد بوده، اتفاق جدیدی نیفتاده است. «در فولاد که بودم شش گل زدم و پارسال هم پنج گل.» با این اوصاف سهراب می‌گوید که در زمان بازی در فولاد سرحال‌تر از حال حاضر بوده و اگر امسال کمی بیشتر از سابق توی چشم است، دلیلش چند گل ناقابل بالاتر است. «در فوتبال ما متاسفانه هر کسی بیشتر گل بزند، همه از او تعریف و تمجید می‌کنند و جایی را که توپ است، همیشه می‌بینند.» آیا این گل‌ها به خودی خود باعث نمی‌شود که سهراب به این فکر بیفتد که یکی دو خط جلوتر بیاید و بغل دست دایی زوج خط حمله صباباتری باشد. «نه همین جایی که بازی می‌کنم جایم راحت است. من نمی‌توانم خط حمله بازی کنم و اگر می‌بینید گل می‌زنم، بیشتر روی ضربات ایستگاهی است.» سهراب درباره وضعیت خوب فولاد هم حرف‌های جالبی دارد. «ما می‌توانیم قهرمان شویم. چرا که الان حواس همه به استقلال است و آنها فشار زیادی را تحمل می‌کنند و این باعث می‌شود که تمرکز روحی آنان به هم بریزد و ما امتیازات لازم را جمع‌آوری کنیم.» و اگر صبا قهرمان نشد، چی؟ «استقلال مستحق قهرمانی است و با بازی‌هایی که امسال انجام داده واقعاً ثابت کرده که می‌تواند قهرمان شود.»

آرسنال و کعبی تکذیب شد

بعد از تاتنهام، پورتموث و ولورهمپتون، پای یک اسم بزرگ‌تر به میان آمده؛ آرسنال. تیمی که به عنوان تنها لیگ برتری باقی مانده در لیگ قهرمانان اروپا و پس از شکست یوونتوس، کمی تا قسمتی بزرگ‌تر از حد معمول به نظر می‌رسد. کعبی که در گفت‌وگو با دوستان نزدیک خبرنگار، این خبر را کف دست آنان گذاشته، می‌گوید: «صحبت‌هایی شده و درصد رفتن به آرسنال پنجاه درصد شده و فکر می‌کنم اگر آنها قبول کنند، قرارداد داخلی ببندیم.»

از قرار معلوم مذاکرات از طریق مدیر برنامه‌های کعبی انجام شده و کارها به سرعت به سمت یک قرارداد پرسر و صدا پیش می‌رود. «مدیر برنامه‌های من در حال گفت‌وگو است ولی با توجه به قراردادی که تا اتمام فصل با فولاد دارم، همه چیز به بعد از جام جهانی موکول می‌شود.» با این همه محمودرضا فاضلی که خارج از ایران، منیجر رسمی کعبی است، حرف دیگری می‌زند. «هیچ خبری از آرسنال نیست و درباره کعبی هنوز خبر جدیدی نشده.» اگر چه فاضلی غالب اوقات دوست دارد تا قرارداد رسمی نشده، حرفی نزند و خبری به روزنامه‌ها ندهد، اما او تاکید دارد که آرسنال حقیقت ندارد. مسعود رضائیان، مدیرعامل فولاد هم موضع مشابهی دارد. «من از شبکه خبر این موضوع را شنیدم و خبری از جزئیات ماجرا ندارم.» پیوستن کعبی به آرسنال که اول به دروغ سیزده شبیه بود و بیش از حد رویایی به نظر می‌رسید، با توجه به اصرار خود کعبی، فعلاً سوژه درجه یکی است. تا جایی که حرف‌های او درباره این نکته که بازی کردن در آرسنال اصلاً کار شاقی هم نیست، قابل توجه باشد. «من قطعاً تست نمی‌دهم و مشکلی هم برای بازی کردن در آرسنال ندارم. اگر نتوانم در آنجا بازی کنم، بهتر است که فوتبال را کنار بگذارم.» کعبی قول داده که در یکی دو هفته اخیر اخبار جدیدی به گوش خواهد رسید. نظر شما چیست؟

چهره ها

رحمان: مسینا می‌ماند و من می‌روم

علی خماند

تماشای بازی‌های رحمان در سری A در حالی برایمان عادی است که پس از او هیچ بازیکن دیگر ایران موفق به حضور در این لیگ بزرگ نشده است. این همان دلیلی است که طرفداران مدافع مازندرانی تیم ملی به آن استناد می‌کنند و می‌گویند رضایی موفق‌ترین لژیونر ایران است؛ بالاتر از همه آنهایی که در آلمان و سایر کشورها بازی می‌کنند. وقتی با او حرف می‌زدیم از حرف‌هایش مشخص بود که دلش می‌خواهد هر چه زودتر دست به کار تازه‌ای بزند؛ یک حرکت اساسی برای بازگشت به صفحات اول، مثل روزهایی که تازه به پروجا رفته بود و هر بازی او در سری A یک خبر مهم بود. فکر می‌کنید رحمان با حضور در کدام تیم «تیتر» می‌شود؟

■رحمان، بالاخره موتی بر کنار شد؟

در حقیقت باشگاه مسینا خیلی دیر این کار را انجام داد. اگر زودتر از اینها موتی را تغییر می‌دادند شاید شرایط تیم بهتر می‌شد. اما باشگاه خیلی دیر این کار را کرد و شرایط تیم خیلی بحرانی است.

■ونتورا چطور مربی‌ای است؟

هنوز زیاد با او کار نکردم اما مربی بدی نیست... نمی‌دانم شاید زیاد هم خوب نیست. نمی‌دانم باید با او بیشتر کار کنم.

■می‌تواند به مسینا کمک کند؟

من فکر می‌کنم بازیکنان بیشتر می‌توانند به تیم کمک کنند ما باید نهایت استفاده را از بازی‌های باقی مانده ببریم. اگر بچه‌ها واقعاً بخواهند این بازی‌ها را خواهیم برد. کار خیلی سخت است ولی ماندن در سری A دور از دسترس نیست.

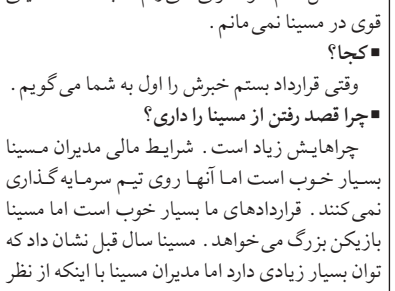

■با مربی جدید راحتی؟

نه، ونتورا تمرین می‌دهد و من هم تمرین می‌کنم. چه مشکلی باید به وجود بیاید؟ من برای مسینا در این فصل خوب کار کردم و آنها حاضر هستند قرارداد دوساله دیگری با من امضا کنند. با این شرایط مشکلی بین من و ونتورا وجود نخواهد داشت.

■هنوز هم اطمینان داری مسینا در سری A می‌ماند؟

بله، هنوز هم شانس خیلی زیادی برای ماندن در سری A داریم.

■سال بعد در مسینا می‌مانی؟

تا فصل تمام شود حرفی نمی‌زنم اما به احتمال خیلی قوی در مسینا نمی‌مانم.

■کجا؟

وقتی قرارداد بستم خبرش را اول به شما می‌گویم.

■چرا قصد رفتن از مسینا را داری؟

چراهایش زیاد است. شرایط مالی مدیران مسینا بسیار خوب است اما آنها روی تیم سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. قراردادهای ما بسیار خوب است اما مسینا بازیکن بزرگ می‌خواهد. مسینا سال قبل نشان داد که توان بسیار زیادی دارد اما مدیران مسینا با اینکه از نظر مالی در شرایط خوبی بودند اما سرمایه‌گذاری نکردند. طبیعی است وقتی این شرایط به وجود می‌آید بازیکنان هم چندان دلسوزی نمی‌کنند. آنها می‌خواهند همین روند را پیش بگیرند اما من نمی‌خواهم، پس جدا می‌شوم.

■به نظر تو قهرمان سری A یوونتوس است؟

بی‌تردید، با توجه به اینکه در این چند هفته تیم آنها به بحران خورده است اما آنقدر آنها در طول فصل خوب بودند که این بحران به قهرمانی آنها خدشه‌ای وارد نکرد.

■حق یوونتوس بود که قهرمان شود؟

امسال خیلی خوب بود و یک فصل کاملاً موفق را پشت سر گذاشتند. به نظرم حق یوونتوس قهرمانی بود.

ادامه دقیقه صفر

در مواقع لازم برای تبرئه خود چنان به حریفان یورش برده و آنها را در تنگنای حقانیت مطلق خود چپانده که هیچ نشانی از رنگ و بوی دانشگاه شریف در لحن و رفتارش به نظر نمی‌رسد. آیا توقع از علی دایی که در مواضع و حرف‌هایش، منش دموکراتیک به خود بگیرد، انتظار و توقع بی‌جایی است؟

این درست که؛ به قول کیارستمی قهرمان‌های میادین ورزش ستاره‌های واقعی‌اند، اما گاهی این ستاره‌ها نیازمند آن هستند که اندکی در دنیای دروغین سینما و ادبیات سیر کنند تا از طریق تماشا و مطالعه جهان غریب و پرشور و در عین حال فریبنده ستاره‌های سینما افق نگاهشان را گسترده‌تر کنند. سینما و ادبیات حتی اگر در ظاهر چیزی به ما یاد ندهد- که وظیفه‌اش هم نیست- با فرو بردن ما در بطن جذاب و دلپذیر خود ذهن و تخیل‌مان را ارتقا داده و از ما آدم‌های تحمل‌پذیرتری می‌سازد.

حسین رضازاده با محمدعلی کلی چه تفاوتی دارد؟ در نگاه اول هیچ، هر دو در جهان ورزش قهرمان و ستاره تابناکی بوده و هستند.

اما وقتی که کلی در جواب کسی که در سال‌های دور از او می‌پرسد «چرا در جنگ ویتنام شرکت نمی‌کند؟» می‌گوید: «چون تا به حال هیچ ویتنامی به من نگفته، سیاه زنگی» راز جاودانگی را می‌فهمیم.